

مهرپار

نشریه



در این
شماره میخوانیم

سربند آزمون

وفای به عهد

عشق معکوس

...

اولین نشریه حوزه مهدویت دانشگاه اراک

هفته اول خرداد ماه ۱۴۰۰

شماره بیستم



عشق معكوس

ادعايم مي شد كه عاشق هستم... دوستش دارم...
 خود را عاشق و او را معشوق مي ديدم...
 اما فقط ادعا بود، مگر نه اين است كه عاشق براي معشوق همه
 كار مي كند؛ حتي براي اينكه معشوق خود را خوشحال كند
 حاضر است جان بدهد...
 عاشق كاري را كه معشوق دوست ندارد انجام نمي دهد تا مبادا
 براي لحظه اي کوتاه معشوق را ناراحت و غمگين ببيند...
 عاشق منتظر است كه معشوق لب تر كند تا اجابتش كند...
 هر كجا كه برود ياد معشوق از خاطرش بيرون نمي شود...
 همه جا مراقب معشوق است تا مبادا اتفاقي ناگوار براي
 بيوفتد...
 عاشق وقتي عاشق مي شود ديگر هيچ چيز جز معشوق براي
 زيبا نيست، به هر كجا كه برود به هر چيز كه نگاه كند جلوه اي
 از وجود معشوق را در آن مي بيند...
 اگر از معشوق اشتباهي ببيند چشم پوشي مي كند، اصلا عشق
 يعني همين...
 اما داستان عشق ما برعكس بود؛
 من او را ناراحت مي كردم، كارهايي را انجام مي دادم كه او
 دوست نداشت كار هايي را كه مي گفتم يا انجام نمي دادم يا از
 روي اكراه و اجبار انجام مي دادم...
 مثلا من عاشق بودم اما او بود كه همه جا مراقبم بود...
 هزار بار خطا كردم چشم پوشي كرد...
 هزار بار كج رفتم ولي حتي به روي خودش هم نياورد...
 چشمم دنبال همه بود، همه را مي ديدم جز او...
 وقت خوشي او را از ياد مي بردم و وقت ناخوشي دست به
 دامانش مي شدم...
 اما آخر فهميدم

خدا

عاشق بود

ومن

بنده

معشوق

سازابندي



باور بشریت

حضرت مهدی(ع) عقیده ای است که امید می‌آفریند و نشاط و تلاش ایجاد می‌کند؛ سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می‌برد. حرکت‌های اصلاحگرانه و اسلام خواهانه را تشویق می‌کند و جان‌های شورنده بر استکبار و استضعاف را تقویت می‌کند.»

مرحوم علامه سیدمحمدحسین طباطبایی در ذیل آیه "وعد الله الذین آمنوا ... لیستخلفنهم فی الارض" نوشته بود: «این آیه وعده زیبایی است خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده می‌دهد که بزودی جامعه‌ای بر ایشان برپا می‌دارد که به تمام معنی صالح باشد و از ملکه کفر و نفاق و فسق پاک باشد. و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق چیزی حاکم نباشد؛ در امنیت زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی و خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. این جامعه طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده؛ در روزگار مهدی(ع) چنین جامعه ای مصداق پیدا خواهد کرد. چون اخبار متواتری که از رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) در خصوصیات آن جناب وارد شده از تشکیل چنین جامعه ای خبر می‌دهد؛ حق این است که این آیه شریفه جز با جامعه ای که بوسیله ظهور مهدی(ع) بزودی منعقد می‌شود، بر هیچ جامعه دیگری منطبق نمی‌شود.»

فاطمه نظری

در عصری که جهالت مُدرن، عالم و آدم را به سراشیب سقوط نزدیک ساخته و ظلم، بی‌عدالتی، ستم سالاری، معنویت ستیزی، اخلاق گریزی و هزاران فاجعه هولناک دیگر در جهان بیداد می‌کند و از این جهت، آینده بشر هر روز تاریک و تاریک‌تر شده و وحشت و ناامیدی رو به افزایش است. بحث از جریان مهدویت از هر زاویه‌ای که انجام گیرد در حقیقت بحث از نویدها، سعادت‌ها، شادکامی‌ها، پیروزی معنویت، اخلاق، عدالت، تقوا، ترسیم آینده درخشان برای بشر و هزاران خواست الهی و انسانی دیگر است.

از سوی دیگر، مهدویت یکی از اساسی‌ترین و زنده‌ترین مباحثی است که در متون دینی [آیات و روایات] بدان توجه ویژه شده و پیرامون آن اسرار نهفته و معارف عمیقی هست که بازگو کردن آن می‌تواند کمک زیادی به افراد مومن بکند.

مرحوم آیت الله طالقانی در مورد امام زمان(عج) معتقد بود: «مهدویت از خصایص شیعه است و این خصوصیت بوده که شیعه را همیشه در جهت حرکت انقلابی قرار داده بنابراین دولت جهانی ولی عصر، حکومت خدا به رهبری ولی خدا و همکاری مردان خداست؛ با هم شدن اسباب طبیعی و استعدادهای فکری و اجتماعی. همه وسایل و اسباب دست به هم می‌دهد و امدادهای الهی هم کمک می‌کنند، تا این آرزوی بزرگ بشری در آخر الزمان تحقق پیدا کند.»

همچنین حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در مورد باورداشت مهدویت و آثار آن می‌نویسد: «بدون تردید عقیده به مهدویت و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی(ع) به عنوان منجی عالم بشریت باوری صرفاً اسلامی است که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی از بزرگان و صاحب‌نظران به متواتر بودن احادیث وارده در این باب حکم کرده اند. این باور داشت به عنوان اندیشه اسلامی بر پایه قوی‌ترین برهان‌های نقلی و عقلی استوار است و بررسی تاریخ و شواهد بسیار آن، بهترین تایید بر صحت و متانت آن به شمار می‌رود و هیچ یک از مسلمانان - چه از شیعیان و چه از اهل سنت - به انکار یا تشکیک در آن نپرداخته است. بر کسی پوشیده نیست که عقیده به ظهور

سر بلند برآزمون

محسن حججی در سال ۱۳۷۰ در شهر نجف آباد اصفهان به دنیا آمد و از جمله رزمندگان دلاور مدافع حرم بود. در روز ۱۸ مرداد ۱۳۹۶ باز غروب غم انگیز دیگری تکرار شد و خیمه بود و دود، آه بود و اسارت. سلام بر حججی که حتی شد در چگونگی زیستن و چگونه رفتن، فدای آن گلویی که همچون گلوی امام حسین (ع) بریده شد. و سلام بر آن سری که همچون سرمولای شهیدان دفن آن نامشخص و به عرش برده شد...

باز ابن زیادها در غروبی دیگر فاجعه‌ای رقم زدند که ننگش در کارنامه پلید شمریان پابرجا ماند و حماسه‌اش برای زینبیاں درخشید تا وعده‌ی «السابقون السابقون اولئک المقربون» تحقق یابد. آری دوباره حسینی دیگر که مادرش او را به عشق اولین شهید کوچک راه ولایت محسن نام می‌گذارد، حماسه می‌آفریند، حماسه‌ی غرور و مقاومت و شجاعت و ایثار بار دیگر اسیر قافله ظلم در غربت شامیان چهره‌ی واقعی یزیدیان را رسوا نمود، قهرمانی که نماینده‌ی مجلس نبود تا که حماسه‌ی سلفی با نماینده‌ی ظلم باشد بلکه پاسدار گمنامی بود که لباس سبز عزت می‌پوشید و مقتدرانه حماسه می‌آفریند.

قهرمانی که همسرش می‌گوید: «محسنم سرش را داد تا بانوی مسلمان روسریش را نهد و با افتخار بگوید با چادرم به جنگ با ابلیسیان زمان می‌روم.»

در فرازی از وصیت نامه شهید می‌خوانیم:

از ولایت فقیه غافل نشوید و بدانید من به یقین رسیدم که امام خامنه‌ای نائب برحق امام زمان (عج) است. خودتان را برای ظهور امام زمان روحی لک الفدا و جنگ با کفار به خصوص اسرائیل آماده کنید که آن روز خیلی نزدیک است. جوری باشید که سرنوشتتان هر چه شد، ختم به امام زمان (عج) شود. محال است لبخند بزند و حال دلم عوض نشود...»

خنده اش انگار فرق دارد، او نه بادهان که از عمق چشمانش می‌خندد... با تمام وجود و از ته قلبش از عمق چشمانی که پر از مهربانیست...

مرضیه نجاری



وفای به عهد

و تبعیت از امام زمان مشخص می کند؛ یعنی ابتدا باید با امام خود عهد ببندیم؛ آنگاه پیمان خود را مستحکم کنیم و در نهایت با او بیعت نماییم:

۱. عهد: معنای لغوی عهد یعنی شناسایی امری و پیمان بستن. پس در وهله اول باید امام و وظایفمان را نسبت به ایشان شناسایی کنیم و پیمان ببندیم.

۲. عقد: معنای لغوی عقد استوار کردن پیمان و گره بستن آن است. یعنی پس از این که مرحله عهد یعنی شناخت را طی نمودیم و پیمان بستیم باید نسبت به آن پیمان استوار باشیم و محکم گره بزنییم.

۳. بیعت: معنای لغوی بیعت، پیمان دوستی بستن و پیروی و اطاعت می باشد. پس باید سه گام برای بیعت با امام زمان علیه السلام برداریم:

عهد: پیمان اولیه (پس از شناخت و آگاهی)

عقد: محکم کردن این پیمان (انجام رفتارهای لازم و شایسته) بیعت: پذیرش اطاعت و فرمانبرداری خالصانه (مرتبه ای اخلاص و پیروی خالصانه)

عهد و پیمان و میثاق با امام از دیگر مضامین این دعاست. عهد در زندگی منتظر باید همیشگی باشد. وقتی زندگی بر مبنای انتظار شکل گرفت عهد، دائمی و همیشگی می شود.

مینا صالحه زآدیان

یکی از موارد با اهمیت دینی که هر روز مسلمانان وظیفه دارند آن را اقامه کرده و انجام دهند تا آنجا که ارزش آن از نماز که ستون دین است نیز با اهمیت تر می باشد، تعهد به میثاق و وفای به عهد نسبت به اهل بیت و علی الخصوص امام زمان (ع) است. این میثاق و عهد امری است که هر لحظه و آن به آن در زندگی هر شیعه معتقدی باید جریان داشته باشد؛ بدان معنا که تفکرات و اولویتهای فردی که بر گردن وی بیعت امام زمان (عج) است با شخصی که هیچ گونه عهدی و میثاقی با حضرت ندارد متفاوت است. عهد بستن با صاحب الزمان و بیعت کردن با ایشان امری قلبی و عملی است که بر هر شیعه ای واجب است. شدت اهمیت این امر را می توان تا بدان جا دانست که نسبت به تمام فروع دینی اولویت و ارجحیت دارد. بعد از امام حسن عسگری (ع) بیعت حجه ابن الحسن بر گردن شیعیان است؛ بدان معنا که فردی که به سن بلوغ می رسد همان گونه که وظیفه اقامه نماز و گرفتن روزه را دارد وظیفه اعلام بیعت با امام زمان (عج) و التزام به این عهد را هم تا هنگام مرگ دارد؛ و التزام به این بیعت هم جنبه قلبی دارد و هم جنبه رفتاری.

بیعت کردن با امام حی و حاضر حضرت حجه ابن الحسن (ع) و تجدید کردن این بیعت در هر روز از روزهای عمر از وظایف شیعیان است. بیعت به معنای تعهد و پیمان است، که بیعت کنندگان تعهد می دهند تا نسبت به کسی که با او بیعت می کنند وفادار باشند و این بستگی دارد به آنچه از جانب بیعت شونده پیشنهاد می شود.

هر زمانی بیعت، عهد و پیمان با امام هر عصر زمان بر گردن انسان مؤمن و مسلمان موجود باشد تا از زیان و ضرر محفوظ و مصون باشد. پس هر کسی که با امام هر عصر و زمان بیعت کند همانا با خداوند متعال بیعت و پیمان بسته است. و هر کس بیعت امام زمان را بر خود نداشته باشد از پاداش و فیوضات خداوند متعال محروم خواهد ماند. بر این اساس در زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوئیم:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً فِي رَقَبَتِي؛ خدایا من باز تجدید می کنم عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن جان من است. در این فراز سه لفظ عهد، عقد و بیعت ذکر شده است که وظیفه ما را در رابطه با بیعت

کتاب باز

عنوان کتاب: یاد غریب

موضوع: بیشتر به یاد امام زمان باشیم
اطلاعات کتاب:

نویسنده: مهدی خدامیان

انتشارات: بهار دل ها

سال انتشار: چاپ دوم ۱۳۹۶

مقدمه: شما کتاب "یاد غریب" را مطالعه می کنید. این کتاب، حکایت یک عشق آسمانی و بیانگر یک پیمان و یک شوق و اشتیاق است! این کتاب از غربت امامی سخن می گوید که سال ها در انتظار است تا ما از خواب غفلت بیدار شویم. در این کتاب تلاش می کنم از آقا و مولایمان حضرت مهدی (عج) بنویسم و قدمی هر چند کوتاه در زنده نگه داشتن یاد او انجام بدهم. جا دارد نهایت احترام خود را تقدیم همه استادانی کنم که از اندیشه های آنان بهره زیادی برده ام. از خدا می خواهم توفیقم دهد تا بتوانم این مسیر را ادامه دهم.

فاطمه زهرا ابراهیمی



حکومت

ولایت فقیه در عصر غیبت مسئله نوظهوری نیست که اخیراً فقها آن را مطرح کرده باشند؛ بلکه از یک سو در احادیث پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) ریشه دارد؛ بدین بیان که در این احادیث، از فقها و مجتهدان به عنوان نواب عام امام معصوم(ع) یاد شده است. از سوی دیگر، پس از غیبت حضرت ولی عصر(عج) نیز فقیهان و مجتهدان بزرگی چون شیخ طوسی، ابن ادریس، علامه حلی، محقق کرکی، ملا احمد نراقی، شیخ مرتضی انصاری و صاحب جواهر به این موضوع تصریح کرده‌اند.

عطیه جعفری

زندگی اجتماعی لازمه رشد و تکامل حیات عقلی انسان است و رشد و تکامل عقلی انسان نیز در گرو زندگی اجتماعی اوست. انسان را به خاطر دارا بودن عقل گرمی داشته‌اند؛ چرا که با به کارگیری آن می‌تواند به معرفت‌های نظری و عملی بی‌شماری دست یابد. حال تصور کنید که انسان بدون زندگی اجتماعی چگونه می‌توانست همه‌ی استعدادهای عقل خویش را به فعلیت برساند؟ اگر آدمی ناگزیر بود به تنهایی همه‌ی معارف بشری را از نو ابداع کند، تا چه حد می‌توانست پیشرفت نماید؟

وجود حکومت در زندگی اجتماعی انسان، یک نیاز و ضرورت فطری و طبیعی و عقلی به شمار می‌آید و هیچ جامعه‌ی پیشرفته و منظمی را نمی‌توان یافت که دارای حکومت نباشد. طبعاً دین اسلام که دین خاتم است و برای تمام نیازهای اساسی انسان دستور و برنامه دارد، برای تشکیل حکومت نیز دارای برنامه است و آن برنامه نیز، اداره‌ی جامعه بر مبنای ولایت فقیه است. ولایت فقیه، مرکب از دو واژه‌ی ولایت و فقیه است. ولایت فقیه در معنای اصطلاحی، به معنای حاکمیت و زمامداری مجتهد جامع‌الشرایطی است که در زمان غیبت، در عمل به قوانین اسلامی، ادامه دهنده‌ی راه امامان معصوم(ع) باشد.



غروب جمعه

دارد زمان آمدنت دير مي شود
دارد جوان سينه زنت پير مي شود

وقتي به نامه ي عملم خيره مي شوي
اشك از دو ديده ي تو سرازير مي شود

كي اين دل رميده ي من هم زهيروار
در دام چشم هاي تو تسخير مي شود؟

اين كشتي شكسته ي طوفان معصيت
با ذوق دست توست كه تعمير مي شود

حس مي كنم پاي دلم لحظه ي گناه
با حلقه هاي زلف تو درگير مي شود

در قطره هاي اشك فنوت شب شما
عكس ضريح گمشده تكثير مي شود

تقصير گريه هاي غريبانه ي شماست
دنيا غروب جمعه چه دلگير مي شود!

وحيدقاسم

دل تنگه

گاهی غروب جمعه تلنگریست تابه هم بریزد حال و هوای ته نشین شده اعماق دلت را، تلنگری که باز بینیم که این جمعه آمد واما هنوز ... شما نیامدید آقا جان...

آقا جان! حال و هوای زمین و زمانمان خراب است؛ بیار ای باران رحمت الهی بردلهای خشک و آفت زده یمان.

ببار... بشوی... بزدای... غبار اندوه و غصه از چهره ی این کره ی انسانی... الهی عظم البلا... برسان موعودت را... برماحجت تمام کن وحجتت را رخ بنما...

نه این درد دوا کند صرفا، نه، این که چون نیازی هست نازمی کشیم، نه که چون عبد و بنده ایم و مهرحق د ردل می پرورانیم حب مقربان درگاهت دردل وجانمان جا دارد. که چون واسطه نزدیکی میان دل ومعشوقی (حب الله) خود "معشوقی" (حب ارباب)...

میدانی آقا، اربابم بزرگ است و خواسته هایم به وسعت بزرگیش بزرگ، پس می خواهمش برای لمس حضورش و طعم ظهورش و بنده نوازش... نوازش...

آقای غریبم جمعه ها راکه می شمارم دلگیر می شوم و دلم گیر می شود... می دانم که می آیی، میدانم خواهد آمد، آن روز که رخ بنمایی از پس پرده اما دل گیر آن است که مباد بیایی و من نباشم که مباد بیایی و من آنقدر عجین و گره خورده به زمین وزمان ومتعلقاتش باشم زبانم لال باد ...

آقا جان! دعایمان کنید، دعا کنید که زمان آمدنت باشیم و از آن والاتر زمان حضورت آنقدر آماده و لایق باشیم که در زمره ی مقربانت قرارگیریم. دعا کنید که حتی اگر جان دراین دل نبود اما همچنان حب شما جاوید باشد و معنای وجودی آن دل. دعا می کنم برای من نوعی برای من آدمی؛ که نکند دعا کنم بیایی؛ مسلم وار و خدای ناکرده زبانم لال؛ کوفی وار دل بر بندم به مصلحتم و جاخالی کنم. نکند بیایی حسین وار و چنان دل بردنیا بر بندم که آب از ۶ ماهه دریغ کنم...

قرص ماه کاملم بیمم از مهدوی نبودنم حتی به ثانیه ولحظه ایست الهی... مباد تنی که حب خودت و حب دوستدارانت در آن جای به حب دنیایی دهد...

الهی! تو نای و رمق قدم هایمان باش تا ثابت قدم بمانیم...

عصر یک جمعه دلگیر دلم گفت بگویم بنویسم

که چرا عشق به انسان نرسیده ست؟

و چرا آب به انسان نرسیده ست؟

و چرا لحظه باران نرسیده ست؟

بگو حافظ دل خسته ز شیراز بیایید

بگوید بنویسد که چرا یوسف گم گشته به کنعان نرسیده ست؟

وهنوزم که هنوز است، چرا غم عشق به پایان نرسیده ست؟؟

فائزه بندی



امروز هم نشستم کنار پنجره و نیامدی...
 یک جمعه دیگر هم گذشت و نیامدی...
 باز جانمان به لب رسید و نیامدی...
 پس آن موعود مذکور کی فرا می‌رسد؟
 چند شب دیگر چشمانمان در اشک فراق بسوزد؟
 چند شب دیگر دل‌های مان در غم فراق بگیرد؟
 چند شب دیگر دست‌هایمان در حزن فراق به سوی آسمان ناله سر دهد؟
 سرور عالمیان...
 نور نعمت ظهور را هر چه زود تر بر ما بتابان که بس بی‌قراریم در این
 دنیای خاکستری بی‌تو...
 ما نیازمندیم به رد آمدنت...
 انتظار دیگر طاقمان را طاق کرده است...
 رود خانه در عطش تو روزها به سر می‌برد...
 کوه و درخت و گل چشم به راهند...
 دریا منتظر است...
 خورشید چشم انتظار است...
 ماه هر شب حدیث تلخ هجران را به رخمان می‌کشد...
 هر هفته‌ای که می‌گذرد، خیال گرم ظهورت و طراوت نسیم حضورت
 مشتاق ترم می‌کند برای آمدنت...
 ای تک‌سوار سمنند سعادت...
 ما دل‌هایمان را به راه تو نثار کرده‌ایم...
 ما بغض‌هایمان را به امید تو فرو برده‌ایم...
 ای امیر قیام...
 ما شکیب‌ترین عجول‌های مسیر انتظار تواییم...
 «با این دل سیاه و تباهم چه دل خوشم
 بر این خیال کهنه‌واهی، ببینمت!
 دارم یقین که روز وصال تو می‌رسد
 ذکر لبم شده که الهی ببینمت»

فاطمه‌شیخه

صاحب امتیاز:

کانون مهدویت دانشگاه اراک

مدیر مسئول:

محمد مهدی سلیمانی

سر دبیر و طراح:

کوثر سلیمی

ویراستار:

فاطمه حمزه‌لو